

در شرح آیه اول تورات حضرت عبدالبهاء جل ثنائہ در لوح جذاب میفرمایند
قوله الاحلی: عشق آباد مرو حضرت آقا عزیز اله جذاب علیه بهاء الاهی

هو الله

ای عزیز عبدالبهاء نامه شما رسید و اشعار آبدار ملاحظه گردید سئوالی
که فرموده بودید بسیار دقیق و عمیق است بیان بلیغ لازم دارد وجود بر دو
قسم است وجود علمی و وجود عینی کائنات قبل از وجود عینی وجود
علمی داشتند یعنی معلومات حق بودند بعد وجود عینی یافتند یعنی تحقق
در خارج شد بصر تعلق بوجود علمی ندارد تعلق بوجود عینی دارد یعنی
بصر در عالم وجود به شیئی غیر موجود تعلق نیابد باید وجود خارجی داشته
باشد تا بصر بآن تعلق یابد اسم بصیر غیر اسم علیم است کائنات معلومات
حق بودند ولی اسم بصیر تعلق بحقایق اشیاء نداشت چون در عالم وجود
تحقق یافت اسم بصیر بآن تعلق گرفت این مسئله بسیار دقیق است بسیار
تأمل فرمائید من باب مثل ذکر میشود صور علمیه که در حیّز ادراک
شماست بصر شما باو تعلق ندارد چون در خارج آن صور علمیه تحقق یابد

بصر شما بآن تعلق گیرد و دیگر آنکه علم بر دو قسم است یکی علمی که تعلق بذات دارد علم ذاتی الهی است آن عین ذات است ممتاز از ذات نیست چرا در آن مقام وحدت صرفه است و ذات عبارت از جمیع اسماء و صفاتست آن علم ذاتی الهی لا یدرک است و علم دیگر در حیّز فعل است یعنی عین معلومست و آن تحقق در خارجست بصر تعلق بشیئی موجود یابد نه بشیئی معدوم تعلق علم بشیئی غیر موجود ممکن است اما بصر محال است اینست که میفرماید چون خلق فرمود دید که نیکوست و واقفین اسرار الهی برآند که علم بر دو قسم است یک قسم ادراک شئی است بدون صورت متمایزه در ذهن این علم ذاتی است و علم ثانی علم صوریست و آن علم علم شهودیست و آن عبارتست از ادراک شئی مع صورته متمایزه فی الذهن این مشاهده حق عبارت از علم شهودیست اما علم وجودی آن عین ذات حقست مانند ذات حق ادراک نشود و بکنه حقیقتش کسی پی نبرد بسیار تعمق لازم است تا باین لطیفه معانی انسان پی ببرد شما علم باین دارید که در هویت این حبه شجری عظیم موجود لکن بصر آنرا نبیند مگر وقتی که انبات شود و شجر گردد . از این مثل حقیقت مسئله واضح و

عیانست پس عبارت تورات منافی علم الهی نیست که محیط بحقایق اشیاست
و علیک البهاء الابهی ع ع "
انتهی